

در مشکلات اربع

و تفاوت نرخها و بیبیری تهمت و نیمه و غزا اهل اهواز و روم و غلبه کردن اهوازیان
و حدوث اشوب در بادیه و هبوب و ریاح و وقوع امراض در اشراف و اکابر و کثرت
اراجیف پس اگر زحل مستعلی بود چنانکه بود میان عجم و مردم و مرگت فاد و سایر کزندگان
بود و اگر عطارد مستعلی باشد وقوع امراض مضره در اهواز و حوزستان و جستن
باد شمال و باران (و اگر در اسد بود) دلالت کند بر بسیاری اراجیف و تهمت
میان مردم و میل خلاق بنا راستی و غدرو مکراندیشیدن در حق یکدیگر و بستگی
کارها و اندوه و تجارت و اهل حرفه و از رده شدن ایشان از عطاء و اکابر و در زدیها
و ظلمت هوا و خسارت کتاب و وقوع موت در میان خلائق و فقر و قن یکی از اینها
ملوک و کثرت بخار و دخان مظلمه و اگر زحل مستعلی باشد مرگ یکی از فرماندهان عراق
عرب و صیغتها و ظهور حشرات الارض و اعتدال هوا و اگر عطارد مستعلی باشد دلالت کند
بر موت خلائق و محط و کثرت هوام (و اگر در قوس بود) دلالت کند بر فتنه و امراض
و موت و سوء حال و زراعت و کتاب و ارباب نفوس و خروج خوارج و هبوب ریاح و قلت
نموزرع و مکتب اصحاب دیوان و تجارت و اراجیف و قلب شدن نفوس و سستی بازارها
و نوشتن خطوط مزوره و گفتن محالات و ظهور مردم منافق و کذاب و مشعبد و معز
و بدگشتن هوا و خشکی و بارندگی و ناروایی کارها و بیماری جوانان و اندوه خلاق
پس اگر زحل مستعلی باشد مرگ چهار پادشاهان بود و ظهور فتنه و ناسازگاری بسیار
بادها و قلت زرع و کشت و اگر عطارد مستعلی باشد خروج خوارج باشد و توسط
باران و جستن بارها و بسیاری آب (مقارنه عطارد و زحل در ثلثه خاکی) دلالت کند
بر مکر و خاطر پیران و ارباب قلم و عمال و تجار و وکلا و متصرفان و افتادن اراجیف و
سخنان دروغ و تهمت و غزو بیع ضیاع و عقار و بد حالی کاروانها و کساد بازارها
و خواست طلب فساد کشت و زرع و تفاوت نرخها و سرما و باد و باران در وقت
و بیماریها از انواع صرع و مرگ ناگه و نیم تجارت و بیماری اطفال و گرفتاری در دانه
(و اگر در ثور باشد) دلالت کند بر کثرت سرما و باران و مرور سیول عظیمه و ریاح

در اسد

در قوس

در ثلثه خاکی

در ثور

سید

مقارنہ عطار در زحک

شدیده و روایت احوال و زرا، و قلت فوائد کتاب و عداوت بازاریان و ریج تجار و اهل دیوان و اراجیف و تهمت و غم میمان مردم و شدت حال مسافران و مزارعان و خصوصاً میان مردم و بیماری و ماعنی و تفاوت بزخها و کرد و عمار و تاریکی هوا و عدد و برق و بادهای سرد و امکان تکرک پس اگر زحل مستعلی باشد خصوصاً و جنبها اقتد میمان مردم و قصد دشمن در اهواز و حوزستان و بسیاری مد و موج دریا و کرک طغیان و اگر عطار مستعلی باشد دشمن قصد ولایت بابل کند و ظهور سرقا و ریج و سختی (و اگر در سنبله بود) دلالت کند بر حرکت عساکر و شدت خلف میان لشکریان و موت زنان و کدورت و خسارت مطربان و انزعاج خواتین و عسرت و ولادت و اندوه زنان و مخالفت ازواج و میل هوا بختگی و خواری لباس و حریر و شیوع خبرهای عجیب و بکا داشتن طلسمات و نیرنگات اگر زحل مستعلی باشد اهل اهواز را با دشمن جنات افتد و مرگ خواتین معطره و کثرت باران در مواضع مستعد و اگر عطار مستعلی باشد اهل ارمیه را با اعدا محاربه شود و بسیاری آب رود خانهها با باشد (و اگر در سجد بود) دلالت کند بر نقص باران و وقوع زلزله سیم که قران در بیت رابع بود و خوف و شو یکی از سلاطین و شدت سرما و برف و جلید و تاریکی هوا خصوصاً که قران در شب عطار بود و قلت فوائد کتاب و متصرفان و مکر و خیانت خلا یوق کساد بازارها و تنگی طغیان و مشغولی اهل دیوان و خوف اکابر و مرگ اشرف و اکابر و زحل مستعلی بود دلالت کند بر وقوع موت در ولایت حوزستان و سختی سرما و باران و اگر عطار مستعلی باشد دلالت کند بر مرگ زنان اشرف و طاعون در حیوانات عجم و کمی گیاه (مقارنہ عطار در زحل در مثلثه هوائی) دلالت کند بر بیماری بزرگان و علماء و اهل فضل و موت ناگاه خاصه در اعیان و شدت اهل دیوان و متصرفان و محال و تجارت و محاسبه و کلا و بودن اراجیف و گواهی دروغ و کساد بازارها و کرک طغیان اطعمه و آمدن کاروانها و هناد بنا تا و اشجار و بودن سرما و بارندگی و حدوث ریح در وقت و میل مردم بعلوم دقیق و بیماری اطفال از ترس و بیم و تنگدستی اهل حرفه و دعویهای باطل و ریج چهار پایان

و سنبله

و سجد

و مثلثه هوائی

در مثلثات اربع

و اشکاء شدن کینهها و مکر و جبهه میان خلایق و اکثر این تاثیر در بلاد هند و اقلیم سیم
 بظهور آید (اگر در جنوب بود) دلالت کند بر کثرت اراجیف و تهمت و خیانت و ریخ
 عمال و متصرفان و بیماری جوانان و کساد بازارها و اندوه محرفه و بیم مرگه صفا جاده
 و بیم خصومت میان اکابر و عامه و کرکله نطفام و فساد اشجار و جستن بادهای سخت
 و رعد و برق و بحث علوم ریاضیه و اعمال غریبه و بک حال اهل قلم و وقوع سحر و افسون
 و قتال در جانب شمال و کثرت اسپر پس اگر زحل مستعلی باشد دلالت کند که حاکم
 با بل بعضی از اهل حرم خود را بقتل رساند و اگر عطارد مستعلی باشد صلاح حال مردم
 و خوشی هوا بود (و اگر در میزان بود) دلالت کند بر کثرت اراجیف و تفاوت
 بزنها و خصومت عوام و مردم شریف و اظهار باطل و فساد اشجار و اندوه اهل
 قلم و حکما و تجار و اهل بازار و حدوث رجاج و رعد و برق و امکان باران و قلت
 نواید کتاب و وزراء و میل هوا سردی اگر زحل مستعلی بود حدوث باران باشد
 و جستن بادهای مختلف و اگر عطارد مستعلی بود پادشاه وقت پادشمنان مناز
 و مخالفت کند (و اگر در دلو بود) دلالت کند بر فوراً امطار و زیاده شدن
 ایها در رودخانهها و قلت عده نموزرع و فوت و موت یکی از باب علم و کثرت
 اراجیف و بدی هوا و سرما و کساد بازارها و ملالت تجار و محترفه و خیانتها و
 بردشانی مردم از هر نوع و خصومت میان اهل جبال و ساکنان دستاق و اگر زحل
 مستعلی بود دلالت کند بر ظفر یافتن ملالت بابل بر دشمنان و موت بعضی از فرمانها
 و زلزله و باد و سرما و اگر عطارد مستعلی بود دلالت کند بر فقدان و فوت حاکم
 فارس و جزایه بعضی مواضع دران ولایت و حکم قتل کردن پادشاه روم فرزند
 خود را یا شخصی را که بمنزله فرزند بود و بودن سرما (مقارنه عطارد و زحل در
 مثلثه ای) دلالت کند بر ابرهای سیاه و بارندگیها و تکرر ریخ بند در وقت و
 زیان نباتات و فساد حال مسافران دریا و نقصان کشتیها و آمدن کاروانها و
 کساد بازارها و افتادن اراجیف و رونق کسب و رزان و دها قین و باغ و بستن

در جنوب

در میزان

در دلو

در مثلثه ای

مقارنہ عظام و زحل

با ثاقان و بیماریها در باب قلم و تجارت و زحمت این طایفه و ممکن که مواخشات کردد اگر
 دلایل و شواهد دیگر بوده باشد وقت نیز مقتضی بود و تفاوت بزخمانا بل بکرا
 و نوشتن خطوط مزوره و دروغ و مناظره در باب تفسیر و حدیث (و اگر در سراط
 بود) دلالت کند بر خلاصی محبوبان و سفرهای دریا و اندوه خواتین و خدمه
 و غلبه کردن آنها و اعتدال هوا و کثرت موت در دیا و فرنگ و بسیاری قحط و
 مرض خلاق سیماد در زمان اگر زحل مستعلی بود مرگ بعضی از زنان پادشاه باشد
 و حدوث بت لرز و وقوع زلزله و باران و اگر عطار دستعلی بود اسقاط اجنه
 بود و کمی کشت و زرع و کثرت امراض (و اگر در عقب بود) دلالت کند بر تشو
 اهل بازار و آریاب یوان و تجارت و زیان مزارعان و سرامیج بندی و راجیف و
 خصومت میان مردمان و مسدود شدن راهها و کرانی توخها و وقوع حرب
 متعلقان دو پادشاه و کثرت طاعون و موت و مراسلات و مکاتبات میان ملوک
 ملوک و سلاطین و سوء حال وزراء و کتاب و وقوع موت در و اب و باران و ز
 و برق پس اگر زحل مستعلی باشد حدوث مرگ باشد در اکثر اقالیم و اگر عطار دستعلی
 بود حرب در میانه و بزرگ واقف شود و هلاکت مردم بطاعون در مواضع مستعد
 (و اگر در جوت بود) دلالت کند بر سوء حال کتاب و وزراء و کثرت مرغ و ناهی و
 مدودانها و بسیاری رطوبت و ظلمت هوا و کثرت ابرها و بسیاری راجیف و اند
 عمال و تجارت و مردم بازار و اهل فضل و کساد متاعها و اشفکی دماغها و وقوع
 و بدی حال وزراء و اشراف و بسیاری محاسبات اگر زحل مستعلی باشد بسیاری
 مرغ و ناهی بود و ظلمت هوا و کثرت نم و باد و اگر عطار دستعلی بود وقوع حرب
 میان اهل مشرق و روم و بسیاری مرغ و کثرت باد و باران (مقارنہ قریب زحل در
 مشائات اربع) قران قریب زحل مطلقا دلیل تغییر هوا است فایل ببرد می در زمستان
 افراط سرما و فساد اشجار و اگر این حالت بعد از انصراف او باشد از اجتماع و استعجاب
 دست هد تا یکدم مذکور کنند بحسب زمان و مکان و گویند اگر قریب در این حال

در سطلان

در عقب

مقارنہ قریب زحل
 در مشائات اربع

در مثلثات اربع

تا زحل شود در ولایت مغرب پادشاهی عظیم الشان فرود (مقارن زحل و زحل
 با زحل در مثلثات ثقی) دلالت کند بر خشکی هوا و حرکت باد سموم در وقت و
 خشم ملوک بر مردم فرومایه و از زوال الناس و رسیدن ظلم و بیداری میان خدایق
 و کثرت اراجیف و وقوع سفرها بسرت (اگر در حمل بود) دلالت کند بر مضرت
 رسیدن از اتراک بولایت ارمینر و زرد و خورد میان ایشان و تغییر هوا و ارتفاع
 بخارات و بادها بینهفت و سرما و باران در وقت وضا و حیوانات و تفرقه
 عامه و تردد لشکریان و بدی حال دیولان و بیگان و ایلچیان و خوف زنان
 خاسله و اطفال و مملکت خاطرها و حدوث اخبار دروغ و غدر در میان خلایق
 و در توقف افتادن مهمات و شدت احتیاج مردم و اگر زحل مستعلی بود مجاری
 بسیار بود و بارانهای سودمند آید در وقت و اگر قمر مستعلی بود جستن بارانها
 باد شمال و باران باشد در وقت (و اگر در اشد بود) دلالت کند بر اندوه عوام
 و مسافران و دشواری وضع حمل و تاریکی هوا در وقت و در توقف آمدن بارانها
 و مکروه بزرگان و سرگردانی دیولان و جاسوسان و اخبار و اراجیف و موت
 یکی از بزرگان و باران در وقت و اگر زحل مستعلی بود مرگ بزرگان باشد در وقت
 حورستان و آمدن ملخ در وقت و اگر قمر مستعلی بود اسقاط اجنه بود و صدق
 باران در وقت (و اگر در قوس بود) دلالت کند بر حدوث بارها و تاریکی هوا
 و بارانها اگر در وقت باشد و بدی آمدن خیر و برکت و اصلاح در میان مردم
 و بیماری در خدایق و افت حیوانات و ملال قضایه و سادات و زحمت لشکریان
 و بیع دواب و نیکی حال عوام و جمعیت علما و طلب علوم دینی و ضعف زنان مامله
 و اندوه مالداران و مسافران و کثرت رسل و رسائل در میان ملوک و اگر زحل
 مستعلی باشد مرگ چهار پایان بود و کثرت باد و اگر قمر مستعلی باشد غوغا و کثرت
 باران باشد در وقت (مقارن زحل و زحل در مثلثات خفای) دلالت کند بر کمی منها
 و درشتی هوا و صلاح حال نباتات و کثرت زراعی اطعمه و اشربه و عوارض مهمل و اسنان

در مثلثات ثقی

در حمل

در وقت

در قوس

در مثلثات خفای

مقارنہ قمر با زحل

در میان مردم و موت فرمایگان (اگر در قمر بود) دلالت کند بر مخالفت میان
 حکام و رعایا و سرما و بارندگی در وقت و تنگی طعام و اندرزه و تفرقه آقا بر وقت
 زامدان و زنان محترمه و فساد مزروعات و دواب و کدورت و تنگی حال گشتهها
 و ریج زنان حامله و گوشیاری گوید که شدت برد بود زامدن بوقت در وقت و
 اگر زحل مستعلی بود کثرت مجادله بود میان مردم و کمی آب و گرانی طعام و اگر قمر
 مستعلی بود امسقاط اجنه باشد و کمی کشت و کثرت باد و یازان (اگر در مینبلیه)
 دلالت کند بر اشفتگی حال زنان و در ماندن مسافران و پریشانی عوام و اراجیف
 و سردی هوا در وقت و تاریکی و گرانی زخما و فساد اطعمه و بناات و تلف خلافت
 از مرض سل و ذات الریه و ذات الصد و نفث الدم و غوغای عوام و اگر زحل مستعلی
 باشد کثرت باران و نم بود و اگر قمر مستعلی بود فتنه باشد میان اهل ازمینه و
 او و رطوبت هوا در وقت (اگر در حیدر بود) دلالت کند بر شدت و گرفتاری
 رسولان و جاسوسان و توقف مسافران و بد شدن راهها و خصومت عوام و
 ظلمت هوا و سرما در وقت و فساد بناات و حیوانات و کثرت بیاہ و حدیث امراض
 و تفرقه غایبین اگر زحل مستعلی بود کمی آب و باران باشد و اگر قمر مستعلی بود
 بسیاری باران بود در وقت (مقارنہ قمر با زحل در مثلثه هوائی) دلالت کند بر
 دشواری کار مسافران و اهل روستا و خشکی هوا و زیادتی سرما در وقت و جستن
 بادها و دلتنگی از معاش و کسب بدی حال ستوران و بندکان و رسولان و
 جاسوسان و کثرت اراجیف (اگر در حیدر بود) دلالت کند بر جستن بادها
 صعب ملال فضلا و اهل قلم و مناظره میان ایشان و ظهور شر و ریج مسافران
 و زحمت عامه و سستی بازارها و اندر و محترمه و کثرت اراجیف و اگر زحل مستعلی باشد
 یکی از سلاطین بابل بعضی از اهل حرم خود را بقتل رساند و اگر قمر مستعلی بود صلاح
 حال اهل هوا و روستا باشد و بسیاری چیز و نیکی باران در وقت (اگر
 در مینان بود) دلالت کند بر ملال عوام و زنان حامله و بسته شدن راهها

در قمر

در مینبلیه

در حیدر

در مثلثه هوائی

در حیدر

در مینان

و غیره

در مثلثات اربع

و نیز که هوا و وقوع اراجیف و عسرت خلایق و باد های مخالف و فرستادن رسول
 جهنم عقد و نکاح و بیع برده و ابرو نم در وقت و موت اطفال و کثرت اوجاع و
 شدت خلایق و کسبگی اگر زحل مستعلی بود بسیار باران باشد در وقت ^{جست}
 ناهها و نخطه و اگر قمر مستعلی بود دشواری وضع حمل باشد و کثرت بارندگی در وقت
 (و اگر زحل بود) دلالت کند بر جستن بادها مضطرب و قبض خاطر بزرگان و
 تفرقه حکما و مشایخ و هراس مردم و سرما و تار و یکی هوا و باران و صاعقه در وقت
 و بسیاری نزاع میان عوام الناس و قتال میان ایشان و بسیاری مرض و موت
 و هيجان اعدا بر شهرها و ظهور سرد و رو فوج بعد از آن و قوه اهل علم و ارباب علم
 و فقها و اهل ادب و بیم زنان حامله و زحمت مسافران و مشقت عوام و اگر زحل مستعلی
 باشد دلیل است بر شدت در زمین ارمیه و یکی باران و اگر قمر مستعلی بود دلیل است
 بر بسیاری باران در وقت و حدوت کند اعدا و عداوت در زمین ارمیه (مقار
 قمر با زحل در مثلثه اربعه) دلالت کند بر تری هوا و جریان آنها و زنج و دشواری کار
 مسافران دریا و نقصان ماهی و کثرت ابله (اگر در سرطان بود) دلالت کند بر
 و باران و باد های خنک در وقت و کراهت عامه و محترفه و زحمت مسافران دریا
 و باد های مختلف و افت حیوانات ابی و نقصان تجارت و کدورت هوا و زیادتی
 آنها و اندوه مالداران و مملکت عوام و خیانت دلایان و شدت مرض موت و
 و بیا اکثر در زنان و کراهت خاطر بزرگان و اگر زحل مستعلی باشد مرگ بزرگ
 از اهل با بل بود و اگر قمر مستعلی باشد کدورت خاطر دهاقین و اهل حرث باشد
 (مقارنه زحل با قمر در عقرب) دلالت کند بر زوماندن مسافران و در ماندن
 جاسوسان و گرفتار شدن بیدی هوا و تار یکی و سرما و بارندگی در وقت و بادها
 مختلف و در توقف افتادن مهمان عوام الناس و کثرت مرسلات میان ملولان و
 سلاطین و اگر زحل مستعلی باشد باران در حد وسط باشد و اگر قمر مستعلی باشد
 حرب بود و هلاک بیشتر حیوانات از دریا و کثرت باران در وقت (و اگر در حوت

در وقت

مثلثه اربعه

در سرطان

در عقرب

در حوت

بودن) دلالت کند بر ابرو بخار و تاریکی هوا و بارانهای نافع و سرما در وقت و فضا
 حال مسافران دریا و ملال علماء و وزراء و اشراف و اندوه عامه خاصه زنان و
 تشویش مالداران و طغیان آب چشمها و کاردینها در وقت و اگر زحل مستعلی بود
 کمی باران باشد و اگر قمر مستعلی بود بسیاری باران بود و تنگی گشت و ذرع
 (فصل در قرائت کواکب مشرقی در مثلثات اربع) (مقارن مشرق و مشرقی
 در مثلثات اربع) قران مشرقی و مریخ مطلقا دلیل اعتدال هواست در زمستان
 و افراط گرما در تابستان پس اگر مشرقی اقوی مستعلی بود دلالت کند بر ظهور عدل
 و راستی و انصاف در میان بزرگان و حرمت داشتن ملوک و سادات و اشراف و
 علماء و فقهارا و اگر مریخ غالب مستعلی بود دلالت کند بر تعسف و بیداد کردن
 مهتران و نکبت رسیدن بقضاة و اشراف و مرگ اهل ذرع و دین و وقت انگیختن و بالجملة
 امزاج این دو کوكب دلیل بود بر آفت رسیدن بعبوبات و غلات از مریخ و غلام سحر
 و عزت سلاح و ناخوشدلی خواص و اهل فضل و ادب و تغلب سپاهیان و ظلم از ایشان
 (مقارن مریخ و مشرقی در مثلثات اربعی) دلالت کند بر قوت حال ارباب سلاح و امران
 و جمع شدن لشکرها و عرض دیدن ایشان خاصه در جانب مشرق و مصادره توکل
 و فرستادن لشکران بحرب و غزا و آمدن باد سموم و نقصان باران و خشکی هوا و
 تعصب بین و قصد نسبت با وزراء و قضاة و افتادن قتلها بوجه قصاص و عدل
 یا دشاه و سلاطین و زدن دراهم و گرمی هوا در وقت سیما که در غماش بود منظر
 بنظر افتاب و فراخی طعام و بیماریها از حرارت و غلبه خون و صفرا و اغلب بر تابان
 در جانب مشرق و طرف خراسان و عراق و اقلیم سیم باشد (اگر محال بود) دلالت
 کند بر استیلاي حدث و حرارت بر مزاج و وزراء و اشراف و موت در اهل ذرع و
 جدال میان مردم جهت دین و مذهب فتنه و فساد میان امیری و وزیري و قصد
 بزرگان و کشادگی و گرمی هوا در وقت و عزت الحرب و وقوع قتل بوجه قصاص
 و بیماریها از حرارت و اکثر این تاثیر در ولایت مشرق و عراق و اقلیم سیم بود

مقارن مشرق و مشرقی

در مثلثات اربعی

در اهل

قتل در ولایت روم و مرکه یکی از فرماندهان بابل وقت باران و مخالفت در میان
 بزرگان و عزت سلاح اگر مشتری مستعلی بود مرکه اعداء ملک بابل بود و بسیار
 نادرها باشد و اگر مرچ مستعلی باشد مرکه پادشاه بابل و سلاطین جبال باشد و
 قتل باران (و اگر مرچ اسد بود) مرکه یکی از ملوک بابل باشد و خراب شدن بعضی
 از مواضع این ولایت و ظفر یافتن اعداء بر ایشان و سقط شدن دیوار دران
 و نقصان بیاہ عیون و شدت گرفتاریها در وقت خاصه که در وقت باشد و موت
 شخصی عظیم القدر و حسن حال امراء و لشکریان و مخالفت میان اکابر و سران
 و قوت حال اهل سلاح و قصد ارباب عیام و بیماریها از حرارت و فساد دم و
 و حرب در زمین ترکستان و غلبه اترک اگر مشتری مستعلی بود مرکه بزرگان باشد
 و اگر مرچ مستعلی بود مرکه پادشاه بابل بود و ظفر دشمن بر ایشان و کجی بولان
 (اگر در قوس بود) دلالت کند بر بسیاری مجادله در علوم و خصوصت اعیان
 و اشرف با اترک و سپاهیان و رسوا شدن جادوان و افسونگران و زرافان و
 وزیدن بادهها و بیماری کرد و غالب شدن بر ناکسان و گریه بسیار در وقتیکه
 قران در بیت عاشق بود و کثرت جریق و رخصت طعام و وقوع حزن و حدوث
 مرض و بباد ولایت روم و اختلاف مذاهب خصوصت بسبب ان و قتل بعضی
 از اهل بطلان و بیماری و موت در ولایت روم و فقدان یکی از فرماندهان انجا
 و سوختن عمارات و آرزای طعام و فوت و موت یکی از توانگران اگر مشتری
 بود مرکه دشمنان سلاطین بابل و کثرت ربا و بیماری و موت و اگر مرچ مستعلی
 باشد تلف مردم کوهستان و نقصان بارندگی (قران مرچ و مشتری در مثلث خاکی)
 دلالت کند بر فتنه در بزرگان و بودن را جیف و نکبت معارف و قضاة و فساد
 اطعمه و اشجار و برکشتن هوا و زیان زرع از ملخ و دیگر حیوانات پرنده علی الخصوص
 که در بیت عاشق باشد و بیماری از خشکی و گرمی و فوت ارباب سلاح و راهداران
 و اندوه علماء و اشرف و آرزای الناس و بیماریهای سودانی و وقوع سفرهای محضرت

در مرکه

در قوس

در مثلث خاکی

مقارن مزج و مشر

و خوف و ترس و حرکت لشکر ناز و هلاک ستوران و بیداری و احوال و احتساب اغلب
 در اقلیم دوم و سیم بود (و اگر در بقیه باشد) دلالت کند بر فساد نباتات و شازمه
 میان اکابر و زحمت این طایفه از اهل فساد و افت ارتقاغات از امور خاصه که در رابع
 بود و از مملوح خاصه که در عاشق بود و کمبود خشکی در وقت و خزانه بسیار و در بلاد و
 بزرگان و هلاک اشرف و خزانه اکثر از قری و بیدار آمدن سختی در رسالت و موت یکی
 از قضاة اگر مشرعی مستعلی بوده باشد خزانه بیشتری از مواضع باشد و بسیاری برکت
 و اگر مزج مستعلی بود خزانه بعضی از مواضع حوزستان و فارس بود و حد و شامراض
 و موت اکابر (و اگر در سبیل باشد) دلالت کند بر کثرت اندوه اکابر و اعیان و شکا
 ایشان از اشراق و سپاهیان و استیلا و حرارت بر مزاج اشرف و بزرگان و فساد الطمه
 و تلف شدن اموال تجار و فرج اهل عراق و موت اکابر و فتنها و ترقی بعضی از قضا
 و عزت ایشان و کثرت دزدان و فساد این طایفه و بسیاری در دوام و کثرت فساد
 ایشان و اگر مشرعی مستعلی بود در بزرگان باشد و اگر مزج مستعلی بود موت حاکم
 نابل بود و ظفر دشمن بر او و کمی ماندن (و اگر در حد بود) دلالت کند بر قوت لشکر یا
 و امراء و ضعف حال و زوال و اشرف و بیماری و عدلت در این طبقه و در بخش ایشان از
 امراء و اهل سلاح و قوت او باشد و مردم تلاش و ضرر شرفا و بیماری و موت در کولایت روم
 و مرگ سباع و هوام موذیر و هلاک لیسور اهلیم و اغنام و سستی در اکثر اقلیم و کثرت
 بجاوات و اگر مشرعی مستعلی بود در بزرگان و کثرت آب و افراط بارندگی در وقت
 و اگر مزج مستعلی بود بسیاری پرده باشد و مرگ کوسفند و کمی باران و سختی سرمای
 وقت (مقارن مزج و مشر در مشر هوائ) دلالت کند بر فتنه در بعضی از ایته
 و ارجیف و خصومتها در میان اکابر و زوال و قضاة و اشرف و زحمت ایشان از
 لشکران و بدگشتن هوا و رفتن بادهای ناخوش و مضر و بیاریها از سرخ باد و ابله
 و افادن قلها و مصادره توانگران و بسیاری حیانت و فساد اهل و حد و اشته
 در هوا خاصه که در بیت غاشق بود و توسط بارندگی و حرکت لشکران و خونریزی

و مشر

و مشر

و مشر

مشکله

بماریها

در مثلثات اربع

و بیاد بیجا خوردن سفرای و افتادن آتش در جایها و کرمی هواد در وقت وید بیامدن
وعدا از اطراف و جوانب (و اگر در جوانی بود) دلالت کند بر مخالفت میان امرای و
و بیاد بیجا خاصه در اشرف و پیر و نفی مساجد و معابد و صوامع و بیادهای کرم
و تند در وقت و کثرت راجیف و بیماری شیب خاصه که در وقت غاشق باشد
و منظور بنظر عطار در سیما بعد از موت و قتلهای ناحق و خیانت کتاب و قتل آنها
و هلاک فضل و خرابی مزرعهها و سختی رؤسا و اندکی باران و مرگ یکی از قضاة
و شادی امراء و لشکران و اگر مشری مستعلی بود هلاک عامه بود و بیماری بطور
در وقت و اگر هیچ مستعلی بود مرگ یکی از حکام بادیر و بیامد و افتادن و بیاد بیجا
و یاغیان (و اگر در میزان بود) دلالت کند بر ضعف امراء و اشرف و ارباب صلوات
و ظفر یافتن ایشان و بطلان اهل کثرت و ظهور سرخ روی در هوا سیاه در آخر سال و
بیماری از کرمی و خشکی و کثرت موت در اکابر و اشرف و بیماری در زمان و نسیب
اموال مترددین اگر مشری مستعلی بود شادی و ملکت بابل بود و ظفر او بر اعدا
و زیان اموال مسافران و تجاوز از دزدان و ارتقاع تجارتات و اگر هیچ مستعلی
بیماری ترس و بیم بود در میان مردم و فساد سال بازرگانان و کثرت باران
وقت (و اگر در لوی بود) دلالت کند بر صلاح احوال اهل سیاه و امراء و کثرت
فوائد ایشان و بیماری رسل و رسایل میان ملوک بودت و کدورت قضاة
و ارباب دین و زهد و مخالفت امراء و وزراء و بیماری قضاة و عدا و افت یکی از
مشاهیر و بدگشتن هوا و بادهای بی منفعت و مخرب و تمهت بر بزرگان و حرمان
و قتل و غلبه دشمنان بر شهرها و در ثانی الحال سلامتی و فرج ظاهر گردد و کرم
باران و اگر مشری بود مردم کوهستان و شهرهای بابل عزیمت نمایند و کرم باران
و اگر هیچ مستعلی بود بیماری و باران و کثرت طعام و بیانات شکر مقارن هیچ
و مشری در مثلثات اربع) دلالت کند بر بدی سفرهای دریا و قصد کردن جهان
نسبت بوزراء و قضاة و علماء و توانگران و کثرت حزن ایشان و خوف اکابر و ظهور

در بیجا

در غایب

در بیجا

در بیجا

مقارن مریخ و مشتری

حیوانات ای را استخراج جواهر را به با سانی ریشادی قواصان و حرکت مسافران
 و شادی در بلاد و قراء و نیکی نباتات و فراخی طعام و شراب (اگر در سلطان بود)
 دلالت کند بر خلاصی مجبوسان و قصد بزرگان بر سفلکان و خصوصت افراد و وزراء
 و زحمت مسافران دریا و ترحم ملوک و اکابر بر فرزندانشان و مخدول و منکوب
 شدن اشراف و نقصان آنها و موت یکی از اعداء پادشاه و خروج فرزند و وقوع
 زرد و خورد میانند ایشان و یکی از فرق اسلامی و تفرق مردم از مساکن و اوطان
 و غوغا و فتنه در میان خدایق و مشغولی سلاطین و عرض دیدن لشکرها و ارسال
 سناگر بجزب و چابکی غازیان و تغییر هوا و خشکی و اگر مشتری مستعلی بود فساد
 دزدان باشد و باران و اگر مریخ مستعلی بود خروج دشمنان و کثرت حریق باشد *
 (و اگر در مریخ بود) دلالت کند بر فرج در ولایت عراق و خراب بعضی مواضع و موت
 اکابر و فوت لشکریان و هب غارت ایشان و قتل جمیع رماهی و نقصان باران
 و قوت حال راهداران و غلبه کردن امراء و اهل سلاح بر وزراء و اشراف و طبع اشراف
 و تار یکی هوا و بارندگی و تلف شدن اموال خدایق و غلبه کردن سفلکان اگر
 مشتری مستعلی بود موت و فوت بعضی از ملوک بود یا یکی از فرزندان ایشان
 و فراخی در بیشتر شهرها و اگر مریخ مستعلی باشد خون در عراق عرب و نزاع اهل
 حوزستان با اسکان خیال و کثرت موت و مرگ (و اگر در حوت بود) دلالت کند
 بر استیلاي حرارت بر مزاج قضاة و اشراف و علماء و مخالفت اهل سلاح با اکابر و
 غالب شدن ابرار با اشراف و توبه فجار و کثرت امر معروف و روفق دارالاحتساب
 و حرکت سناگر در ولایت شام و انتقال سلاطین و فرمندان همان آنجا از مساکن و اوطان
 و وقوع ایات نعاوید و حرارت و بیوست هوا و شیوع درد شکم در مردم اگر مشتری
 مستعلی بود حکام عراق عرب سفر کنند و بارهیت نیکی کنند و ظهور ایات حد و
 فرج در مردم و حرارت هوا و اگر مریخ مستعلی بود اعدای اهل یابل و خیال ان بیرون
 آیند و ظهور فرج بود در اکثر بلدان و فرمندان همان قصد جمع و قتل یکدیگر کنند و کثرت

و سناگر

و خراب

و حوت

و عدد برقد در وقت (مقارنه زهره و شمشک در مثلثات اربع) قران زهره و شمشک
 بهترین قرانها است و در اکثر احوال دلیل است بر اینی و سندرستی خلایق و خوش طبعی
 مردم و ستر و صلاح زبان و بسیاری عطریات و اسباب زینت و کثرت نکاحها و نو
 فرزندان بخت فراخی طعام و ارزانی ترخنها و تغییر هوا و بادهای خوش و بارانها
 متواتر نافع و صلح فریادگان و میل مردم بعد از انصاف امن و فراغت در اقلیم
 دوم و پنجم و عموم خیر و برکت باشد (مقارنه سفید در مثلثات ثقی) دلالت
 کند بر عفت زبان و تقوی اهل طرب و برآمدن نکاحها و امانت در مردم و قوت اهل
 دین و اسلام و طهور و طرب و زینت در علماء و قضاة و وزراء و راستی عدل و اجابت
 دعوات و اعتدال هوا و سندرستی خلایق و فراخی و میل مردم بختیاریت و طاعات و آمدن
 مسافران از اطراف و قوه حال پادشاه و سلاطین و جمع نمودن خزائن و صلاح حال
 حیوانات و نباتات و نیکی گشت و ثمرات و میل مردم بتعلیم موسیقی و قوه حال اهل
 مشرق (و اگر در حمل بود) دلالت کند بر صلاح حال اکابر و قضاة و خوبی حال عورتا
 و بارانهای عام و زیاده شدن آنها و کثرت نکاحها و موافقت ازواج و هفت زبان
 و اهل طرب و میل علماء و اشراف بطرب و سیر و گشت و اعتدال هوا و برآمدن مرادها
 و فراخی نعمت و صحت بیاران و رونق عبادتخانهها و عزت لباسهای قیمتی در شام
 فلسطین اگر مشرق مستعلی بود قوت حال بزرگان باخو شد لی و اگر زهره مستعلی
 بسیاری شادی تماشا باشد (و اگر در حمل بود) دلالت کند بر امن و صحت خلایق
 و بسیاری مردم و دینار در اکابر و اعیان و عزت اهل طرب و بسیاری سوره ها و رونق
 دارالقضاة و اعتدال هوا و نیکت اهل سواد و آمدن ملخ در انولایت و فرح زنان اکابر
 و قضاة و ارباب دین و خوشی حال مالداران و بازرگانان و اگر مشرق مستعلی بود
 بلا و محنت با اهل سواد رسد و موت یکی از فرمندان عراق عرب و امکان زلزله
 و اگر زهره مستعلی بود بیماری و موت باشد در بابل و بسیاری شر و شور در اهواز
 و حوزستان (و اگر در قوس بود) دلالت کند بر کثرت اراجیف از اطراف و جوانی

قران سفید

و حکایت

و حکایت

و حکایت

مقارن زهره و مشتری

قوت زنان و کثرت فوائد مطربان و صلاح اهل خواتین و قوت احوال اشرف و کثرت بیعی
 و بسیاری توالد و تناسل اگر مشتری مستعلی باشد و قوت شهادت کاذب باشد در
 عراق عرب و ظلم حکام حوزستان بر رعایا و سیاست نمودن بعضی از ملازمان خود
 از فرزندان و صلاح احوال کشت و زرع و اگر زهره مستعلی بود در حرب بود در بابل و
 اهل دولت و کثرت مرگ کوفتند و بسیاری بازان و قتل طعام سبب در میان
 سواد (قران سعدین در مثل شراکی) دلالت کند بر تنگی حال اهل طرب و زید
 و فقرها و میل این طایفه بسیر و شکار و ظهور طرب و بر آمدن نکاحها و جمعیتها و
 اجابت دعاها و فراخی و بسیاری بختها و شیرینیا و ثباسبها و اعتدال هوا و
 خلاق و امن و نیکی کشت و زرع و ساختن بجاج خیر و کثرت ضیافتها و رواج باز
 و کثرت انصاف در خلائق و رونق دارالشرع و فراغت دواب (و اگر در شورش
 کند بر کثرت نعمت مسلامت کشت و زرع و عفت در زنان و مردان و مطربان
 و زراعت و عمارت و ساختن آلات زینت و کثرت سورها و صحت بیاران و خوشه
 انس و راحت مردم و رونق ابواب البر و هلاک کثیری از مردم حوزستان و مضرت
 با اهل روم و بیفنا آمدن اموال ایشان و کثرت توالد و شادی خواتین و حدی
 اگر مشتری مستعلی باشد هلاک اهل خراسان بود و بیاریها و کوی بازان و اگر زهره
 بود فساد اهل بابل و حوزستان بود و مرگ بزرگی در آن بلاد (و اگر در کسبل
 دلالت کند بر موت زنان و قتل بعضی از اکابر و حرب میان دو بزرگ و شد
 ضرر خواتین و مطربان و سلامت غلات و نباتات و ساختن عمارات بزرگ و حکم
 میان مردم بالضریره و میل علما و قضاة بطرب و نشاط حرام و اعتدال هوا و
 طایفه بمظالمه حکیمات و ریاضیات و حکیم فاضل محی الدین مغرب کوبید دلالت
 غاصی شدن ولایتی از پادشاه روم و شاید که آن ولایت را تسلیم اعدا نمایند و
 اهل بابل و بسیاری حیوانات ضاره مثل مار و نقبستان از رعیت از غلوی طپودا
 مستعلی بود تعصب اهل روم بود با پادشاه و زیان اهل حوزستان و اگر زهره

در مثل شراکی

و شرف

و کسبل

در مثلثات اربع

باشد کویاب و بسیاری مرگ بود در ولایت ترکستان و ابن قران در سعادت ماهون از نشانه
 قرانات سعدین بود و اقل تا ثیراد و سعادت آن کالایمخی (و اگر هر چند بود) دلالت کند بر
 اصلاح پذیرفتن کارهای اکابر بدخواه و صلح میان افواج و باز ایستادن زنان از غنا
 بدیها و توبیر بدکاران و شکو شدن کارها و اعتدال هوا و ایمنی راهها بحی الدین مغرب
 گوید قتل یکی از فرماندهان رعم و قوت حال اغنام و قلت طعام در سواد عراق و سواد
 انجا و کمی فواید مطربان و تار یکی هوا و نیکی حال خواتین و سایر زنان و بودن نم اگر
 مشرک مستعلی باشد نیکی حال سال بود و مرگ کار و کوسفتند و کثرت مرغ و ماهی و حد
 زلزله و قلت میاه و اگر زهره مستعلی بود پادشاه روم بعضی از بزرگان مملکت خود را
 بقتل رساند و افت رسد بزمین بابل (مقارن سعدین در مثلث هوائی) دلالت کند بر
 قوت حال ادیان خاصه اسلامیان و جمعیتهای خیر و رفتن مردم بمزارات متبرکه و اجابت
 دعاها و راستی و امانت در مردم و طهو و طرب در اشراف و قیمت عطرها و لباسها و رفتن
 بارها و خوشی و تندستی خلائق و بسیاری بناات و اطعمه و اثمار و فراخی و ارزانی
 و یارندگی در وقت رواج احکام شرعی و توبیر مفسدان و بدکاران و ایمنی و موافقت
 ازواج و رفتن ابرهای روش و وقت و نیکی احوال نصاری و آرامش (و اگر در جوانی
 بود) دلالت کند بر قوت اهل اسلام و بسیاری خیرات و اجابت دعیه و وقوع نکاحها
 و بسیاری تولد میمون و مبارک و طرب در روزا و عظام و صحت نیاران و اصلاح احوال
 زنان و کثرت فواید مطربان و فرخ ملوک و خواتین و شادی حکام فارس و قوت گرفتن
 اهل حق و مقهوری اهل باطل اگر مشرک مستعلی بود صلاح حال پادشاه عراق و غزوه
 شدن یکی از بزرگان ارمنیه بدکار و یکی یاران و بسیاری کشت و اگر زهره مستعلی
 بود فساد حال هوا و حوز نشنا باشد و هلاک بزرگی از آن ولایت (و اگر در جوانی
 بود) دلالت کند بر صلاح حال بخار و کثرت فواید قضایا و فقها و مطربان و امراض
 کثیره واقع در میان مردم و قلت ذرع و امکان باران و بسیاری جمعیتهای مردم و ارزانی
 نصت و عدل و انصاف در مردم و راستی و دیانت خلق و سعادت خواتین و رونق اهل

در مثلثات اربع

در مثلثات اربع

در مثلثات اربع

در مثلثات اربع

مقارن زهره و مشتری

طوب و بارانهای سفید و نیکی حال خدایه اگر مشتری مستعلی بود نیکی اهل بابل باشد و زلزله
 در فارس را زمینیه و اگر زهره مستعلی بود نیکی حال تجار بود و بسیاری تب و علتهای سوز
 و فراحی طعام در ازمینه (و اگر در ملک بود) دلالت کند بر صفای هوا و فرج علماء و اشرف
 و زیادت دولت زنان و رونق مطربان و جشن بادهای خوش و صحت خلائق و برآمد
 حاجات و فراوانی طعام و نزول بلا با هله فارس و قلت طعام و فرج زنان و خواتین و
 مطربان و رغبت مردم بنکاح و قتل بعضی اولاد ملوک و محظ در زمین ترک و حوالی آن
 اگر مشتری مستعلی باشد صلاح حال ترکان بود و تاریکی هوا و بسیاری آنها و اگر زهره
 مستعلی باشد نزول بلا باشد در ملک بابل و رسیدن نکت بملک ازمینه و کشتن
 از ملوک فرزندان خود را و محظ و اندکی باران (مقارن زهره و مشتری در شنبه)
 دلالت کند بر قوت حال قضاء و اشرف و خواتین و جنادمان و بسیاری باران نافع
 در وقت اعتدال هوا و تند رسته خلائق و ایمنی و فراحی و ارزانی بزخما و خوشی
 نباتات و جمعیت خواتین و صلاح خدمه و امن و رفاهیت خلائق و بسیاری سفر در
 و نیکی آن و وفور اطعمه و حلا و ادب قوه ایهای روان و سلامتی کشتهها و خوشی حال
 ملاخان و بیادیه فاهیان (در هر گه طمان بود) دلالت کند بر کساح شدن غلگه
 بو ما لکان سیما بر پادشاهان و موت یکی از حکام فارس و وقوع عجب در جبال
 و سعادت بزندان و اهل نسب و فرج در خلائق و فراحی نعمت و بسیاری طوب در
 زنان نامی و شادی و ذرا و قضاء و علماء و ارزال و سلامتی مسافران در نیا اگر مشتری
 بود صلاح حال اهل عراق بود و اگر زهره مستعلی بود مرگ بزرگی عظیم الشان باشد
 (و اگر در عقرب بود) دلالت کند بر کثرت بارندگی و طوب در وزراء و اکابر و اهل
 و سلامتی مردم در نیا باز و توبه فسان و اشرف و حمد و نعم و هم در نیا و شاهی و وفور
 خلفه در میان ملوک و فوت ملکی جلیل القدر در کثرت موت در عالم و حسن حال
 زنان و وفور فواید مطربان و دشواری وضع حمل و اگر مشتری مستعلی باشد بدی حال
 حکام بابل و قتل در حوزستان و اگر زهره مستعلی بود اندوه ملک کوهستان باشد

در فارس

مقارن زهره و مشتری

در نیا

در عقرب

کتاب

باشد و کثرت موت (و اگر در حوت بود) دلالت کند بر صلح میان ملوک و سلاطین
 و فرماندهان و سلامتی اهل بلاد و قراء و کثرت امطار نافعه و بسیاری زراعت و
 نیکی ارتفاعات و محصولات و کثرت کجاء خاصه و هبوب ریح جیده و امن و فراخ
 خاطرها و رفوع جیبتهای خاصه در میان اکابر و اعلیٰ و فراخی نعمت و کثرت میراث
 و طغیان آنها و سلامتی کشتیها و فرو نشستن آشوب و رفع نزاعها و رونق ارباب
 و رفوع نکاحهای خیر و شادی علماء و قضاة و صلاح حال ارباب بلاهی و مناهی و
 رغبت مردم معلوم و اگر شتر مستعلی باشد سلامتی خلایق بود و بسیاری مرغ ریاچی
 و خوف زنان خامله و اگر زهره مستعلی باشد انواع فتنه بود و موصل و موت زنان
 و کثرت باران و اگر این قران نزدیک اول سال یا انتقال دور یا فصل یا اواخر قرائت علوی
 اتفاق افتد تاثیرات نیک از امن و اسایش خلایق و عدل پادشاهی و فراخی و ارزانی و
 مانند آن بسیار از حدیث حکما در آن باب مبالغه بسیار کرده اند (قران عطار در با مشرف
 در مثلثات اربع) قران عطار در و شتر مستعلی مطلقا دلیل بود بر حرکت هوا و حد و ریح
 و شدت و ضعف او و بقدر اتصال کواکب و اما اگر قران باشد چنانکه بر زیر کتبی نیک
 و ایتم دلالت کند بر مناظرها میان علماء و حکما و طلب اسرار علوم و امانت و راستی
 و نیکی حال صنایع پس اگر شتر قوی حال و مستعلی باشد دلالت کند بر قوت حال برز
 و تمسیت دادن کارها بر قوانین عدل و بسیاری خیر و ایمنی راهها و فراخی طعام و اگر
 عطار و قوی و غالب باشد دلالت کند بر راستی خلایق و اهل دیوان و تجارت و گفتن
 سخنان حق و بسیاری تحصیل علوم و آمدن اخبار صحیح و رونق بازارها و بالجملة
 امتزاج این دو کواکب دلیل باد حکما معتدل بود و وضع قوانین درست و راست و امن و
 فراخی و موافقت مردم با یکدیگر (قران شتری و عطار در مثلثات اربعی) دلالت کند
 بر رونق کار ضربان و صنایع و صرافان و مستوفیان و دبیران و متصرفان و تجارت
 و راستی و امانت در این طائفه و آمدن کاروانها و بسیاری بیع جواهر و رفوع اجناس
 خوش و نوشتن خطها و مثالها و بیع و شری با نفع و ارزانی و بصواب آمدن احکام

قران عظمیٰ و شریف

در مثلثات اربعی

مجموعی در معالجات طب و راستی در کلام خلائق و حق کوفی و رونق و قوت دین اسلام
 و آمدن اختیار صحیح و شادی بنا به ملوک و خشم پادشاه بر خند مردم و اهل کارخانه و نظم
 کردن محترف و اهل بازار بر درگاه سلاطین (اگر در جنگ بود) دلالت کند بر قوت
 حال تجار و اهل بازار و اصحاب دوا و این وظیفه هر مردمان و ارباب تحقیق و راستی
 در خلائق و رغبت مردم به علم و ریاست مسافران و اخبار خوشی و وقوع معاملات با نفع و علاج
 پذیرفتن بیایان و اظهار حق و راست آمدن تدبیرها و رواج بوده و کتاب و اسباب کتابت
 و کثرت باد و در عدد و برف و مرگ در میان لشکر تان و اگر مشرعی مستعلی بود قوت حال حکما
 آید باشد و ظفر دشمن و جستن با دها (و اگر در اسد بود) دولت و اقبال کتاب بود
 و کثرت فوائد ندما و قتل بزرگی در حیال و ظهور غیوم و موت یکی از حکام اذرن یا بجا
 و بدخالی اهل مشرق و کدورت پادشاهان اندر و و موج هوا و ارتفاع بخارات
 راستی در خلائق و قوت اهل علم و اختلاط ایشان با پادشاه و سلاطین اگر مشرعی
 مستعلی بود اهل مشرق قصد حکام نابل کنند و افتادن حرب و زلزله و اگر عطار در
 باشد حرب و فتنه در عربستان و کثرت ریاح غاصفه (و اگر در قوس بود) دلالت
 کند بر رغبت مردم به علم و ادب شادی اهل حرفه و تنقل اهل دیوان از وزرا و کفین
 سخنان حق و جستن با دها و اعتدال هوا و غم و اندوه حکام و سلاطین شام و انتقال
 ایشان از مسکن و ماوی و حسن حال و زرا و کتاب و قوه اهل هند و ظهور معلوم
 اگر مشرعی مستعلی باشد یکی با راهها بود و جستن با دها و بسیاری کشت و زرع
 در حوزستان و اگر عطار در مستعلی باشد اهل مشرق در ناحیه جنوب قتال کنند و تا
 و نهنگ نمایند و شیوع قحط و غلا بود (مقارنه عطار در مشرعی در مثل شگافی)
 دلالت کند بر رونق بازارها و فراخی و ارزانی و نیکی بیانات و قوت حال و زرا
 دبیران و اطبا و شعرا و اهل تنجیم و صنایعان و تجار و آمدن کاروانها و آمدن اخبار
 خوش و راستی متصدیان و عمال و مستوفیان و امینی طرق و شوارع و رواج کار
 کتاب و قوت اهل قلم و وزیدن با دها و اعتدال هوا و آبادان شدن ملکها (اگر در

محل

و کتاب

مقارنه

و کتاب

مقارنه

بود دلالت کند بر سعادت کتاب فضلا و اهل دیوان و بخار و رونق اهل سوا
 و دیانت در مردم و آمدن قوافل و مترددین و حدوث اخبار ساره و انواع بحث
 در علوم و حدیث بازان و جنبش بادهای سرد و فتنه و فساد در بلاد روم و زرد و خورد
 در بادیه عرب و کثرت غارات و تاراج در بیابانها و اگر مشتری مستعلی باشد سلامتی
 مردم بود و فساد در ولایت روم و آمدن بازان و خزایه در بادیه و اگر عطارد مستعلی
 بود خروج خوارج بود بر حکام عراق عرب (اگر در سبیل بود) دلالت کند بر قوه
 حال اصحاب یوان و عمال و متصرفان و بخار و اهل اسواق و رغبت مردم با خلایط
 و جنبش بادهای مفید و سلامتی کشتیها و رونق و باسالمی در رواج بازارها و راج
 در مردم و حق گفتن و کردن و کثرت طلاب علوم حقیقیه و زیادتی آنها و نقصان
 بناقات و غلات اگر مشتری مستعلی بود میان اهل زابلستان اختلاف و جنگ با
 و سلامتی دیگر مواضع بود و اگر عطارد مستعلی باشد در سبیل حاکم بغداد بود و مرگ
 بزرگی و پیدا شدن علما (و اگر در جهک بود) دلالت کند بر جنبش بادها و رواج
 بازارها و غلبه کردن اهل کلام و قوت دبیران و متصدیان بجهت از هر نوع و عمق
 در امور و رسیدن هوم و عنوم و انتقال پادشاهی از موضع خود و حسن حال وزراء
 و کتاب و ظفر یافتن درونان بر اهل شرع و اگر مشتری مستعلی بود جنگ پادشاه روم
 باشد با اعدا و بسیاری اهل امداد و طلسمات و سختی سرما و افراط بارندگی و
 کشت و اگر عطارد مستعلی بود مرگ یکی از حکام عراق عرب بود و انتقال پادشاه
 روم و فتنه در اکثر ولایت و وقوع زلزله در زمین فارس (مقارن عطارد و مشتری
 در مثلث هوائی) دلالت کند بر سعادت حال وزراء و دبیران و مستوفیان و
 و بخار و اهل بازار و بسیاری بحث و مجادله و رونق مدارسها و آمدن کاروانها و
 آوردن برده و رفتن بادها و اعتدال هوا و تندرسق خلاب و پستی اشجار و اطعمه
 و صواب افتادن احکام نجومی و معالجات اطباء و رونق کار فضلا و راستی در
 و گفتن سخنان حق و ادای شهادت صحیح و صحت بیابان سیما کوکان و سلامتی اشجار

مستعلی

مستعلی

مستعلی

مقارنه عظام در مشرق

و بسیار و ارجیف (اگر در جزا باشد) دلالت کند بر رونق اهل بشار و اهل بازار
 و میل مردم بچند و انشا و فصاحت و بلاغت و علاج پذیرفتن بپاران و سلامت مسافران
 و جشن بادهای خوش و فرح ارباب دولت و اهل فضل و اصحاب دوا و این و سایر
 طبقات عطار درواظها رحمت و نوشتن فتاوی صحیح و خوبی اسبهار و آثار و اطعمه
 و فرح خلایق و طیب خاطر کتاب و وزراء و حرب در بلاد روم و خزایه شهری و مملکت
 شمالی اگر مشتری مستعلی بود حرب با قدمیان اهل هند و روم و جشن بادها و اگر
 عطار در مستعلی بود خروج خوارج بود بر حکام عراق عرب و خونریختن در میان خلق
 (و اگر در میزان بود) دلالت کند بر موت یکی از پادشاهان عجم و یکی از سلاطین روم
 و کثرت دزدان و قاطعان طریق و نهب بشار و محظ و فرح کتاب و اهل قلم و کثرت
 نوایر ایشان و آمدن خبرهای راست و دوستی و وزراء با اهل دیوان و جشن بادها
 تند و سرد و علاج پذیرفتن بپاران و اعتدال هوا و اگر مشتری مستعلی بود سلامتی
 اکثر از بلاد و جشن بادها علی الاطلاق و اگر عطار در مستعلی بود مرگ یکی از حکام
 فارس بود و بسیاری دزدان و محظ و جشن بادهای سخت (و اگر در دیوبند بود) دلا
 کند بر کثرت باد و شدت سرما و اجتماع اکابر و فضلا و اهل علم و مباحثه در علوم و
 اعانت در مردم و رونق بازارها و فرح بشار و قتل ملکی و خزایه بلدی در شرف
 و ریختن خونها در روم و حدوث باران و شدت برد و رجاج اگر مشتری مستعلی بود
 حاکم عراق بر دشمن خود ظفر باید و مرگ یکی از پادشاهان بود و زلزله و باران
 و سرما حادث شود و اگر عطار مستعلی باشد هلاک یکی از حکام فارس باشد
 و پادشاه روم یکی از فرزندان خود بقتل رساند و کثرت باران (قران عطار در
 مشرق در شمشیر ای) دلالت کند بر خوبی احوال مسافران و اهل بازار و بیع و شرف
 بناات و کاغذ و جواهر ای و رونق اطبا و خوبی معالجات ایشان و خوشحالی اهل
 و تربیت وزراء این طایفه را و خنکی هوا و بارندگی در وقت و ارزانی ترخنها و فرا
 طعام و میوها و قوت بناات و افتادن اخبار خوش و بیع ضیاع و آب کار پروران

در بشارت

در میزان

در دیوبند

در شمشیر

در مثلثات اربع

برزگان جهت اصلاح کارها و کثرت دعاوی و بحث و مناظره و خلاصی اهل قید و حبس و
 نیکی حال دیران و میل مردم بشر و موسیقی و رعیت فقها و زهاد بغیر اینها (اگر
 در سر طایفه باشد) دلالت کند بر اجتماع افاضل در مجلس اکابر و رونق دیران و تصدیق
 و متصرفان و صحت خلافت و سلامتی مسافران در بلاد و فرج زتان و ظهور مومنان و
 حق گویان و بادهای معتدل و کثرت خزایه در بلاد و فساد و محاسن حکم و فرج کتاب
 و زراعت و ارتقاء ابرها و امکان باران و نم و رعیت مردم بعقد و نکاح اگر مشتی
 مستعمل بود مرکب یکی از حکام فارس بود و ظهور طوفان و عجایب و در کوهستان
 انقلاط و خزایه اکثر اقالیم و بسیاری باران (و اگر در عقرب بود) دلالت کند
 بر خلاف در زمین شام و فرنج در مشرق و فتن و انواع خزایه در محال و فتح شد شهرها
 و محاصره شدن بعضی قلعها در زمین خراسان و کثرت ریا و معاودت و زراعت
 کتاب و فراط بادهای خنک و بارندگی و خلاصی مجوسان و سلامتی مسافران در
 و رونق بازارها سیما بزازان و عطاران و آمدن اخبار اگر مشتی مستعمل بود خوف
 پادشاه بابل و اهل آن بلاد باشد و حرب بناجیه مشرق و اگر عطارد مستعمل باشد فتن
 بود در عربستان و فتح محکمها و حصارها و غزاهای اهل خراسان بناجیه جنوب (و اگر
 در حوت بود) دلالت کند بر فراخی نعمت و ترم و زراعت و اکابر بر فضل و اهل بازار
 و میل مردم بتوبه و استغفار و حسن حال و زراعت و کتاب و علماء و کثرت فوائد ایشان
 از ملوک و بسیاری آنها و کثرت بارانها و شدت ریا و وفور مرغ و ماهی و اگر مشتی
 بود بسیاری مرغ و ماهی بود و حدوث سرما و اگر عطارد مستعمل بود حاکم فارس
 فرزند خود را ضایع کند و زلزله در آن ولایت حادث شود و محققا و کثرت باران
 (مقارنه مشتی با در مثلثات اربع و بروج اشاعشر) قران مشتی و قمر مطلقا
 دلیل کثرت رطوبت و نم باشد و میل مردم بعلوم دین پس اگر در مسئله اتقی باشد دلالت
 کند بر حرکت لشکران و خصومت ایشان بایکدیگر و اندوه و غم بزرگان و از فرزند
 و بسیاری اخبار را جیف (اگر در حمل بود) دلالت کند بر کشادگی هوا و نیکی حال

در سر طایفه

در عقرب

در حوت

در مقارنه مشتی

در حمل

مقارن شتر و قمر

مسافران و امن و رفاهیت و خرید و فروخت حیوانات و زینت و آرایش و ساختن
 زینها و اورزانے طعام در ولایت خاصه بویج و کندی و حسن حال اهل بازار و قوت
 حال اشرف و وزراء و رونق کار عوام الناس و ایمنی راهها و اخبار سار و آسایش
 وضع حمل و حد و باران در وقت و اعتدال هوا و بقوا بعضی حرب و محظ و جمع
 عظیم باشد اگر شتر بود فراخی سال بود و باران در وقت و اگر قمر مستعلی بود
 بسیاری رعد و برق و باران بود در وقت (و اگر در قمر بود) دلالت کند بر عزت
 و بزرگی طلب کردن عامه و خرید و فروخت جواهر و آمد و شد مسافران و تجارت و بیج
 هوا و رونق حال بزرگان و سلامتی خواتین و خدم و راستی در خلافت و اطاعت ملوک
 نمودن و روانی نفوس و اگر شتر مستعلی بود هوا خشک گذرد و اگر قمر مستعلی بود
 بسیاری نم باشد در وقت (و اگر در قمر بود) دلالت کند بر قسط باران و
 جمعیت اهل ظاهت و بیج دواب و نیکی حال عوام و حرارت هوا در وقت و طلب امور
 دینی و رفتن مردم بدار القضا و آسانی وضع حمل و مصالحه میان مردم و ایمنی مسافران
 و خلاصی مجوسان و تردد حکام و میل مردم بعلوم اگر شتر مستعلی بود توسط
 باران و نم باشد در وقت و اگر قمر مستعلی باشد جستن بادها باشد و افزونی آب
 رودخانهها (مقارن قمر با شتر در مثل شتر خاکی) دلالت کند بر صلاح حال عامه و
 قوت ایشان و زیادتی سر مالد و وقت وافت رسیدن با شرف و اکابر (و اگر در قمر
 باشد) دلالت کند بر قوه جمعیت عامه و بزرگی زادگان و ایمنی راهها و رسیدن
 کاروانها و آوردن بردهها و فراخی بخت و راحت خواتین و آمدن اخبار و رسل و کثرت
 دواب و آسانی وضع حمل و آمدن باران در وقت و تشویش در نابل و محظ در فارس اگر
 شتر مستعلی بود کمی باران و آب بود و اگر قمر مستعلی بود کثرت باران بود در وقت
 و تشویش و اضطراب در فارس و محظ وافت در روم (و اگر در قمر بود) دلالت
 کند بر آمدن باران در وقت و کثرت بروم و زحمت بزرگان و اهل دیوان و حکام
 و نیکی زراعت و بیج ماکولات و آمدن قافله و کاروان و نیکی حال عامه و فراخی

و کثرت

و بیج

و کثرت

و بیج

و کثرت

در برهه اشعری

و اینی راهها و بسیاری عمارات و شادی عورات و اطفال و زیادتی در شهر علیا و بیج
 و شری حیوانات و اگر مشتی مستعلی باشد باران و نم کمتر باشد و خشکی هوا و اگر مستعلی
 بود بسیاری باران و نم باشد (و اگر در جهک بود) دلالت کند بر مخالفت عوام با رعایا
 و قصه خوانان و خلاصه کرفاران و حرکت مسافران و آمدن تجار از اسفار و اینی راهها
 و اعتدال هوا و اجتماع مردم بحسب حکم بالضرورت و باران و نم در وقت وینکی حال
 متردین و وقوع مصیبتی و جمع شدن خلایق بسبب آن اگر مشتی بود آب و نم و
 تری هوا بود و اگر مستعلی بود هکذا (مقارن در مشتی در مثلث هوا) دلالت
 کند بر جنبش لشکرها و مخالفت میان خلایق و رسیدن نامهها و آمدن بادهها و بیماریها
 علما و خشکی هوا در وقت (اگر در جهک بود) دلالت کند بر آمدن اخبار خوشی و
 خلایق جهت مہمات خیر و اعتدال هوا و نوشتن خطها و مثالها و جستن بارها و بینی
 احوال اهل قلم و عمال و متصرفان و تجار و فرج اهل عالم و باران در وقت وینکی
 احوال زنان عالمه و بسیاری نعمت و فتح مہمات و اگر مشتی مستعلی بود کمی باران و
 آب باشد و اگر مستعلی باشد باران بسیار آید (و اگر در جهک بود) دلالت کند
 بر وزیدن بادهای خوش و بینی مپوها و وقوع خبرهای صدق سازه و جمعیت
 اشراف و علماء و رانده زنان عوام و بسیاری امر معروف و توبه بدکاران و توج
 هوا و خلاصی مسافران از ورطات بسیاری رطوبت و قوت حال حوائتین خاصه
 زنان قضاة اگر مشتی مستعلی بود کمی باران و خشکی هوا باشد و اگر مستعلی باشد
 بسیاری باران و نم (و اگر در جهک بود) دلالت کند بر جستن بادهها و بیماریها و
 مشایخ و عفوته هوا و توقف مردم در سفرها و ساختن طسمان و بستگی کارها و
 کثرت باران و مدودانها و فرج عامه و عفت زنان و کثرت خیرات و طاعات و
 سلامتی مسافران و بسیاری کشت و زرع اگر مشتی مستعلی بود کمی باران و نم باشد
 و اگر مستعلی باشد بسیاری باران باشد (مقارن در مشتی در مثلث هوا)
 دلالت کند بر افت آنها و دریاها و حدوث باد و خروج دزدان و بیماری پادشاهان

و اینی

و اینی

و اینی

و اینی

و اینی

و اینی

در قرانات کواکب سفید با مریخ

مقارنه زهره و مریخ

(اگر در سرطان بود دلالت کند بر نیکی خال عامه و محترفه و فرج بزرگان و آمد و شد مسافران دریا و نفع و فائده در سفر و تجارت و بسیاری آنها و باران مفید در وقت فرج زنان و نکاحهای خیر و بیع و شری جواهری و مجادله میان مردمان و مخالفت علما از جهه دین و مذهب اگر مستعلی بود باران و نم بسیار بود و اگر قمر مستعلی بود یاد شاه یا بل و حوزستان و فتنه در اکثر بلاد و بیماری و موت در فارس و روم و خشکی هوا (و اگر در عقرب بود دلالت کند بر وزیدن بادهای و آمدن بارانها در وقت و توبه بدکاران و اعتدال هوا و قوه خال و وزراء و اشراف و بزرگان و اسنانی وضع حمل و از غم و کدورت و درستن زنان و خلاصی عوام و بارندگی در وقت و فروماندن عساکر در جانب شمال اگر مشرق مستعلی باشد دلالت کند بر کبابانها و اگر قمر مستعلی باشد حکمها چون بود (و اگر در حوت بود) دلالت کند بر تزیینات و دیانت عوام و عفت زنان و توبه بدکاران و آمدن باران با نفع و ارتقاع بنجار و بردر وقت و ملال علماء و وزراء و فساد کشتیها و حیوانات آبی و مسافران دریا و اندوه مردم الناس و حسن حال ذریع و کثرت گیاه و حدوث زجاج و اگر مشرقی مستعلی بود قلت باران و نم باشد و اگر قمر مستعلی بود کثرت امطار و میاه باشد (فصل سیم در قرانات کواکب سفید با مریخ در مثلثات اربعه در پنج اشقی عشر) (مقارنه زهره و مریخ در مثلثات اربعه) دلیل باران و سیل و رود و برق است و بارهای مضره سیما که در برج رطب بود و قمر ایشان ناظر باشد و این دلیل بر بیخیا زنان و رسوائی ایشان اگر مریخ مستعلی بود دلالت کند بر خوشدلی سپاهیان و عیش و طرب در میان ایشان و تباهی حال زنان و فتنه انگیزتن همزدان و تشویش در اقلیم پنج و سایر بلاد که بزهره متعلق است و رونق بازار سلاح و اگر زهره غالی بود دلالت کند بر تسلط زنان و حکم کردن ایشان بر شوهران و بالجمله استخراج این دو کواکب دلیل اختلاف هوا باشد و انحراف مزاجها از اعتدال و آفت رسیدن بمیوهها و مرکبات آنها و خصوصت و مجادله در میان انواع و شرکاء (مقارنه زهره و مریخ در مثلثات اشقی)

نیک

در عقرب

در حوت

مقارنه زهره و مریخ

در مثلثات

در مثلثات اربع

دلالت کند بر فساد میان ازواج و غصب و حرب و قتل و کثرت فسق و فجور و رغبت مردم
 بکارهای ناستوده و آشکارا شدن فواحش و بیماریهای خونی و صفراوی خاصه در
 خواتین و دختران و فساد مان و اسقاط حمل و نکاحها بپرعتت و دلیری زنان بد
 و نقصان بارندگی و برکتش هوادر وقت و میل امراء و لشکران بزنا و فسق و
 وقوع مرگه مفاجات (و اگر در محل بود) دلالت کند بر مخالفت و منازعت ازواج
 و وقوع طلاق و فراق و کثرت فسق و فجور و زنا و سوائی زانیان و بیماری در زنا
 و مطربان و سرعیا و بارندگی و تکون خاصه که مشرق باشد و طرب در او باشد و کثرت
 فتنه و جیال و طاعون و موت و زاکر بلا و کثرت واقعات و حسن خال امراء و اجناس
 و بیماری بره و کوسفند و منازعت میان ارباب طرب و اگر مریخ مستعلی باشد
 و بیماری بود و مرگ در حوزستان و حریق در شهرها و خشکی و اگر زهر مستعلی باشد
 بسیاری تب در اکثر بلاد و کثرت باران و رعد (و اگر در امس بود) دلالت کند
 بر وقوع عداوت میان خلایق و حدیثا رعد و برق و باران در وقت و مکان سرد
 و کثرت دزدان و اهل فساد و بسیاری زنا و فوت و موت زنان اشراف و قلت فواحش
 مطربان و فوج عظام و تار یکی هوا و طرب در سپاهیان و مخالفت ازواج و حرارت
 در مزاج زنان و کودکان و میل نمودن باحوال ناپسندیده و بدنامی خدمه و اهل غنا
 و فاش شدن فسق و فجور و اگر مریخ مستعلی بود در ملک ملکتا هوا و حوزستان بود
 و خزایه در آن دیار و فوت یکی از اهل حرم پادشاه و وقوع حریق و ظهور مریخ و کتی
 باران و اگر زهر مستعلی باشد دشمنی بود میان خلایق در شهرها (و اگر در توت بود
 بود) دلالت بر ملاکت و پریشانی ازواج و حرب در اهل سلاح و بارندگی و تلفت
 جنین و رغبت زنان بکارهای ناپسندیده و میل اهل سلاح بفساد و فوت یکی از
 فرماندهان حجاز و کثرت امراض و افات در میان مردم خاصه زنان و قلت فواحش
 و بدی احوال خواتین و اگر مریخ مستعلی بود در ملک عراق عرب باشد و بسیاری
 عداوت و قتل میان بابلیان و یکی از اغادیان و کتی باران و اگر زهر مستعلی بود

حکایت

تفسیر

تفسیر

مستطاب